



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بحثمان در صحت و عدم صحت معاطات بود، اکثر علمای ما قائل بودند که معاطات کافی نیست و باید در بیع إنشاء به لفظ صورت بگیرد، علامه در تذکره فرموده الأشهر بین علمائنا این است که معاطات کافی نمی باشد و همچنین علامه در مختلف الشیعه جلد ۵ ص ۸۳ مسئله ۴۴ از کتاب البیع فرموده: « مسئله: لابد فی عقد البیع من الإيجاب والقبول، ولا تكفی المعاطاة فی العقد، ذهب إليه أكثر علمائنا»، قول عدم صحت معاطات بین علمای ما مشهور بوده تا زمان محقق کرکی و مقدس اردبیلی که در این مسئله تحولی ایجاد کردند و فرمودند که معاطات نیز جای ایجاب و قبول را می گیرد، علی‌أی حال ما نیز قائل شدیم که معاطات صحیح می باشد و برای صحتش به سیره و آیه الحل و آیه الوفاء استدلال کردیم.

عرض کردیم کسانی که قائل به عدم صحت معاطات شده اند به اخباری که در آنها گفته شده: «إنما یحلل الکلام و یحرّم الکلام» برای عدم صحت معاطات استدلال کرده اند و گفته اند تا کلام و إنشاء لفظی نباشد حرمت صورت نمی گیرد، این اخبار در باب ۸ از ابواب أحكام العقود ذکر شده اند.

در این باب ۸ از ابواب أحكام العقود ۱۴ خبر وجود دارد و تمام آنها مربوط به موردی هستند که شما جنسی را ندارید و مشتری می آید و آن جنس را از شما مطالبه می کند بعد شما می روید و از کس دیگری آن جنس را می خرید و به این شخص اولی می فروشید خوب این معامله چطور است؟ در این ۱۴ خبر اتمه (ع) فرموده اند که چنین معامله ای اشکالی ندارد البته به شرطی که با شخص اول مقابله و گفتگو کرده باشد و با آن بیعی انجام نداده باشد زیرا بیع مالیس عندک جایز نمی باشد.

خوب در ۱۴ خبر موجود در باب فقط در خبر ۴ یک جمله ای اضافه تر ذکر شده بود: «لابأس إنما یحلل الکلام و یحرّم الکلام»، فقهای ما معانی مختلفی را برای این جمله ذکر کرده اند مثلاً همانطور که عرض کردیم شیخ انصاری (ره) چهار احتمال در معنای این جمله ذکر کردند که ما احتمال چهارم ایشان را قبول کردیم و آن این بود که در الف و لام در الکلام عهد خارجی است و اشاره دارد به اینکه آن کلام اولی

که مقابله بوده اشکال ندارد و مراد از الکلام دومی بوجود آمدن بیع می باشد بنابراین معنای روایت با توجه صدر و ذیل آن و سؤالی که در آن مطرح شده و جواب امام از آن سؤال بسیار روشن می باشد و دیگر نیاز به بسط و شرح نداریم و لازم نیست ما به سراغ احتمالات مختلف برویم.

مرحوم آخوند خراسانی در ص ۱۵ از حاشیه مکاسب فرموده؛ مراد از کلام در روایت مذکور بیع است، به این معنی که بیع قبل از تملیک و تملک جایز نیست ولی مقابله و گفتگو قبل از بیع جایز است بنابراین یحلل الکلام یعنی یحلل البیع در مرحله مقابله و گفتگو و یحرّم الکلام یعنی یحرّم البیع اگر قبل از تملیک و تملک به صورت ایجاب و قبول واقع شود و بعد ایشان می فرمایند که حصر در روایت حصر اضافی است و حصر حقیقی نمی باشد تا اینکه ما روایت را یک کلی حساب کنیم و بعد بگوئیم تخصیص أكثر لازم می آید.

از جمله کسانی که خیلی اصرار دارد که الف و لام در الکلام جنس است و در مقام بیان یک کبرای کلی می باشد (همان احتمال اول شیخ) سید فقیه یزدی در حاشیه مکاسب می باشد و حتی ایشان فرموده که تخصیص أكثر نیز بوجود نمی آید، بعد چون خود ایشان قائل به صحت معاطات می باشد فرموده أظهر این است که بگوئیم این خبر مخالف إجماع است یعنی ایشان می خواهند بگویند که بیع معاطاتی صحیح نیست ولی از طرفی اجماع بر صحت آن داریم، اما إجماعی در کار نیست و بنده کلام ایشان را نمی توانم قبول کنم.

خوب شیخ انصاری در ادامه کلامشان بعد از ذکر چهار احتمال در معنای روایت مذکور می فرمایند که این روایت بر عدم صحت معاطات دلالت ندارد ولی إشعار در عدم صحت آن دارد که ما این حرف شیخ را قبول نداریم و عرض می کنیم که این اخبار إشعار در عدم صحت بیع معاطاتی ندارند.

شیخ انصاری در ادامه کلامشان فرموده اند که ما روایات دیگری نیز داریم که دلالت دارند بر عدم صحت بیع معاطاتی و یا إشعار در عدم صحت آن دارند، من جمله روایت یحیی بن حجّاج یعنی خبر ۱۳ از باب ۸ از ابواب أحكام العقود می باشد که در ص ۳۷۸ از جلد ۱۲ و سائل ۲۰ جلدی واقع شده است، خبر این است: « وَ عَنْهُ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يَحْيَى بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنْ رَجُلٍ قَالَ لِي اشْتَرَيْتَ هَذَا الثَّوْبَ وَ هَذِهِ الدَّابَّةَ وَ بَعَيْتَهَا أُرِيحُكَ فِيهَا كَذَا وَ كَذَا قَالَ لَا بَأْسَ بِذَلِكَ اشْتَرَيْتَهَا وَ لَا تُوَجِبُهُ الْبَيْعَ قَبْلَ أَنْ تَسْتَوْجِبَهَا أَوْ تَشْتَرِيَهَا ». خبر قبل از این خبر را شیخ طوسی از کتاب احمد بن محمد بن یحیی أشعری

تا امام معصوم را نقل می کرده از طرفی کلینی بعضی از اخبار را از ۱۰
 الی ۱۲ نفر از اساتیدش شنیده بوده لذا اگر تمام آنها را در سند خبر ذکر
 می کرده بسیار مفصل و طولانی می شده به همین خاطر ناچاراً در
 بعضی از جاهایی که اساتیدش زیاد هستند عدّه من أصحابنا ذکر کرده که
 این عدّه را برای سه نفر ذکر کرده ؛ اول احمد بن محمد بن عیسی و دوم
 احمد بن محمد بن خالد برقی و سوم سهل بن زیاد ، البته ما باید این عدّه
 را بشناسیم که در آخر جلد ۲ جامع الروات اسامی عدّه من أصحابنا ذکر
 شده است ، خلاصه کلینی عن عدّه من أصحابنا عن أحمد بن محمد بن
 عیسی که ثقه و جلیل القدر است ، عن علی بن الحکم که ثقه و جلیل
 القدر و از طبقه ۶ است عن إسماعیل بن عبد الخالق که از طبقه ۵ و
 موثق است بنابراین حدیث سنداً صحیح می باشد .

در مجمع البحرین سه معنی برای العینة ذکر شده ولی ظاهراً معنای
 معمول همان است که به عرضتان رسید یعنی اینکه انسان جنسی را که
 ندارد می خواهد بفروشد و برای اینکه مشتری را از دست ندهد با او
 گفتگو می کند و قول و قرار می گذارد و بعداً می رود آن جنس را می
 خرد و می آورد و به این مشتری می فروشد که به این جنس و متاعی
 که به این صورت مورد قول و قرار و معامله واقع می شود العینة
 می گویند .

یک مطلب جالبی که در این روایت ذکر شده این است که شخص سائل
 بعضی کلمات مثل ده یازده و ده دوازده را به صورت فارسی از امام (ع)
 سؤال کرده و بنده در بعضی از اخبار دیگر نیز دیده ام که کلمات فارسی
 بکار رفته مثلاً در خبری ذکر شده که پیغمبر (ص) از سلمان پرسید
 سلمان إشکمت درد می کند؟ سلمان جواب داد بله ، خلاصه در بعضی
 از اخبار ما کلمات و جملات فارسی نیز بکار رفته است و یک کتابی
 بسیار خوبی نوشته شده که در آن نام أصحاب ایرانی ائمه (ع) ذکر شده
 که معلوم می شود که ایرانیها از اول به ائمه (ع) توجه داشته اند .
 خوب ظاهراً وقت تمام شده بقیه بحث بماند برای جلسه بعد ان شاء الله

والحمد لله رب العالمین اولاً و آخراً و صلی الله علی

محمد و آله الطاهیرین

قمی که از آجلای روای ماست گرفته و شیخ از طبقه ۱۲ و احمد بن
 محمد از طبقه ۷ می باشد بنابراین : « عنه » به روایت قبلی برمی گردد
 ، محمد بن عیسی بن عبید یقطینی و یحیی بن الحجاج از روایت بسیار
 خوب ما هستند و خبر سنداً صحیح می باشد .

شیخ انصاری از جمله : « لاتواجهه البیع قبل أن تستوجبا أو تشتريها »
 که در روایت ذکر شده عدم صحت بیع معاطاتی را استفاده کرده و
 فرموده از این جمله معلوم می شود بیعی که صورت گرفته و باید
 صورت بگیرد و از نظر امام هم صحیح است آن بیعی است که استیجاب
 و ایجاب داشته باشد و این در جایی است که لفظی در بین باشد پس
 معلوم می شود که معاطات صحیح نمی باشد .

بنده عرض می کنم که این حرف شیخ صحیح نیست زیرا این روایت
 فقط نظر به ربح موجود در معامله دارد و در مقام بیان کیفیت خرید و
 فروش و معامله نمی باشد خصوصاً که کلمه : « او تشتريها نیز بعدش ذکر
 شده بنابراین خبر مذکور دلالت بر عدم صحت معاطات ندارد .

خبر بعدی که شیخ فرموده إشعار در عدم صحت معاطات دارد خبر ۱۴
 از همین باب ۸ از ابواب احکام العقود می باشد ، خبر این است : « و
 عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ
 إِسْمَاعِيلَ بْنِ عَبْدِ الْخَالِقِ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ (ع) عَنِ الْعَيْنَةِ وَقُلْتُ إِنَّ
 عَامَّةَ تِجَارِنَا الْيَوْمَ يُعْطُونَ الْعَيْنَةَ فَأَقْضُ عَلَيْكَ كَيْفَ نَعْمَلُ قَالَ هَاتِ قُلْتُ
 يَا تَبْنَ الْمَسَاوِمُ يُرِيدُ الْمَالَ فَيَسَاوِمُنَا وَ لَيْسَ عِنْدَنَا مَتَاعٌ فَيَقُولُ أُرْبِحُكَ دَه
 يازده و أَقُولُ أَنَا دَه دوازده فَلَا نَزَالَ تَتْرَاوِضُ حَتَّى تَتْرَاوِضَ عَلَيَّ أَمْ فَيَاذَا
 فَرَعْنَا قُلْتُ أَيُّ مَتَاعٍ أَحَبُّ إِلَيْكَ أَنْ أَشْتَرِيَ لَكَ فَيَقُولُ الْحَرِيرُ لِأَنَّهُ لَا يَجِدُ
 شَيْئًا أَقَلَّ وَضِيْعَةً مِنْهُ فَأَذْهَبُ وَ قَدْ قَاوَلْتُهُ مِنْ غَيْرِ مُبَايَعَةٍ فَقَالَ أَلَيْسَ إِنْ
 شِئْتُ لَمْ تُعْطِهِ وَ إِنْ شَاءَ لَمْ يَأْخُذْ مِنْكَ قُلْتُ بَلَى قَالَ فَأَذْهَبُ فَأَشْتَرِيَ لَهُ
 ذَلِكَ الْحَرِيرَ وَ أَمَا كَيْسُ بِقَدْرِ جُهْدِي ثُمَّ أَجِيءُ بِهِ إِلَيَّ فَيَبِيئُ فَيَأْبِيئُهُ فَرَبَّمَا
 أَرْدَدْتُ عَلَيْهِ الْقَلِيلَ عَلَى الْمَقَاوَلَةِ وَ رَبَّمَا أَعْطَيْتُهُ عَلَيَّ مَا قَاوَلْتُهُ وَ رَبَّمَا
 تَعَاَسَرْنَا فَلَمْ يَكُنْ شَيْءٌ فَإِذَا أَشْتَرِيَ مِنِّي لَمْ يَجِدْ أَحَدًا أَغْلَى بِهِ مِنْ الَّذِي
 اشْتَرَيْتُهُ مِنْهُ فَيَبِيْعُهُ مِنِّي فَيَجِيءُ ذَلِكَ فَيَأْخُذُ الدَّرَاهِمَ فَيَدْفَعُهَا إِلَيْهِ وَ رَبَّمَا
 جَاءَ لِجَحِيلِهِ عَلَى فَقَالَ لَا تَدْفَعُهَا إِلَّا إِلَى صَاحِبِ الْحَرِيرِ قُلْتُ وَ رَبَّمَا لَمْ
 يَتَّفِقْ بَيْنِي وَ بَيْنَهُ النَّبِيْعُ بِهِ وَ أَطْلُبُ إِلَيْهِ فَيَقْبَلُهُ مِنِّي فَقَالَ أَلَيْسَ إِنَّهُ لَوْ شَاءَ
 لَمْ يَفْعَلْ وَ لَوْ شِئْتُ أَنْتَ لَمْ تَزِدْ فَقُلْتُ بَلَى لَوْ أَنَّهُ هَلَكَ فَمِنْ مَالِي قَالَ لَأَ
 بَأْسٌ بِهَذَا إِذَا أَنْتَ لَمْ تَعُدْ هَذَا فَلَا بَأْسَ بِهِ . أَقُولُ : وَ تَقَدَّمَ مَا يَدُلُّ عَلَى
 ذَلِكَ وَ يَأْتِي مَا يَدُلُّ عَلَيْهِ . » . کلینی این خبر را از عدّه من أصحابنا نقل
 کرده و ما قبلاً درباره عدّه من أصحابنا بحث کرده ایم ، کلینی ۳۶ استاد
 داشته و دعو ایشان در نقل خبر بر این بوده که تمام واسطه ها از خودش